

## Challenges of Environmental Diplomacy in the Development of Iran's Sea-Based Economy (2021–2024)

Fatemeh Damirchiloo  \*

PhD student, Middle East Regional Studies  
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,  
Tehran, Iran

### Abstract

The sea-based economy, as one of the key pillars of sustainable development, plays a crucial role in the optimal utilization of marine resources, economic growth, job creation, and strengthening the geopolitical position of countries. Iran, with access to the strategic waters of the Persian Gulf, the Oman Sea, and the Caspian Sea, has significant potential for developing a sea-based economy. Environmental diplomacy, aimed at managing marine resources, reducing environmental risks, and promoting regional and international cooperation, is one of the critical tools for achieving sustainable development in this area. In this context, the main question of the present study is: What challenges has Iran's environmental diplomacy faced in the development of a sea-based economy during the years 2021 to 2024? In response to this question, the hypothesis is proposed that Iran's environmental diplomacy in the development of a sea-based economy has faced challenges such as economic sanctions, marine pollution and climate change, a lack of management infrastructure, and insufficient international cooperation. These challenges have hindered the sustainable and effective development of a sea-based economy. The aim of this study is to examine the challenges and problems faced by Iran's environmental diplomacy in the development of a sea-based economy during the years 2021 to 2024. Using a quantitative method and collecting data through library research and document analysis, this study seeks to identify the main obstacles to Iran's environmental diplomacy. Finally, it aims to analyze these obstacles and provide solutions for the sustainable development of Iran's sea-based economy.

**Keywords:** Iran, Environmental Diplomacy, Sea-Based Economy, Marine Resources, Sustainable Development.

\*Corresponding Author: Fatemehdamirchi1377@gmail.com

**How to Cite:** Damirchiloo, F. (2025). Challenges of Environmental Diplomacy in the Development of Iran's Sea-Based Economy (2021–2024). *Marine and Port Services*, 2(6), 179-207.


Original research

Accepted: 06 April 2024

Review: 01 April 2023

Received: 22 August 2023

## چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی در توسعه اقتصاد دریا محور ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۰)

فاطمه دمیرچیلو \*  دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

اقتصاد دریا محور به‌عنوان یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار، نقشی کلیدی در بهره‌برداری بهینه از منابع دریایی، رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها ایفا می‌کند. ایران، با دسترسی به آب‌های استراتژیک خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، از ظرفیت‌های بالقوه فراوانی برای توسعه اقتصاد دریا محور برخوردار است. دیپلماسی زیست‌محیطی باهدف مدیریت منابع دریایی، کاهش مخاطرات زیست‌محیطی و ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، یکی از ابزارهای مهم برای دستیابی به توسعه پایدار در این حوزه به‌شمار می‌رود. در همین راستا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که دیپلماسی زیست‌محیطی ایران با چه مشکلات و چالش‌هایی در توسعه اقتصاد دریا محور طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳، با تمرکز ویژه بر تحولات و شدت‌گیری چالش‌ها در دوره دولت سیزدهم، مواجه بوده است؟ در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مطرح می‌شود که دیپلماسی زیست‌محیطی ایران در توسعه اقتصاد دریا محور با چالش‌هایی از جمله تحریم‌های اقتصادی، آلودگی‌های دریایی و تغییرات اقلیمی، کمبود زیرساخت‌های مدیریتی و فقدان همکاری‌های بین‌المللی مواجه بوده است که این چالش‌ها مانع از توسعه پایدار و مؤثر اقتصاد دریا محور شده‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌ها و مشکلات دیپلماسی زیست‌محیطی ایران در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ در زمینه توسعه اقتصاد دریا محور است. این تحقیق با استفاده از روش کیفی و با رویکرد تحلیل اسنادی و بررسی منابع کتابخانه‌ای، شامل گزارش‌های رسمی، مقالات علمی و داده‌های توصیفی ثانویه، به دنبال شناسایی موانع اصلی پیش‌روی دیپلماسی زیست‌محیطی ایران می‌باشد و درنهایت، سعی دارد تا با تحلیل این موانع از منظر اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، راهکارهایی برای توسعه پایدار اقتصاد دریا محور ایران ارائه دهد.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، دیپلماسی زیست‌محیطی، اقتصاد دریامحور، منابع دریایی، توسعه پایدار، اقتصاد سیاسی محیط‌زیست.

\* نویسنده مسئول: Fatemehdamirchi1377@gmail.com

## مقدمه

اقتصاد دریا محور به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه پایدار جهانی، نقشی اساسی در تحولات اقتصادی کشورهای دارای دسترسی به دریا ایفا می‌کند. این نوع اقتصاد به بهره‌برداری بهینه از منابع دریایی، از جمله شیلات، انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی، حمل‌ونقل دریایی، گردشگری و سایر فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با دریا وابسته است. در واقع، توسعه اقتصاد دریا محور به کشورها این امکان را می‌دهد که از منابع دریایی خود به‌طور پایدار بهره‌برداری کنند و درعین حال از تهدیدات زیست‌محیطی جلوگیری نمایند. این اقتصاد می‌تواند علاوه بر تقویت رشد اقتصادی، به ایجاد اشتغال، افزایش درآمد ملی، حفظ محیط‌زیست و ارتقای روابط بین‌المللی کشورها کمک کند.

ایران با دسترسی به آب‌های استراتژیک خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، از ظرفیت‌های بسیار زیادی برای توسعه اقتصاد دریا محور برخوردار است. این کشور به‌عنوان یکی از کشورهای بزرگ منطقه خاورمیانه، از موقعیت جغرافیایی منحصر به فردی بهره‌مند است که به آن اجازه می‌دهد تا از پتانسیل‌های دریایی خود در راستای تأمین انرژی، حمل‌ونقل، شیلات و سایر فعالیت‌های اقتصادی استفاده کند. همچنین، ایران با در اختیار داشتن بنادر تجاری و صنعتی متعدد این ظرفیت را دارد که به یکی از هاب‌های اصلی حمل‌ونقل دریایی و تجاری در منطقه تبدیل شود. در راستای توسعه اقتصاد دریا محور، ایران می‌تواند از منابع دریایی خود در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری کند. یکی از مهم‌ترین این منابع، ذخایر دریایی مانند منابع نفت و گاز است که ایران در دریای خزر و خلیج فارس دارای ذخایر عظیم انرژی است. این منابع انرژی نقش کلیدی در تأمین نیازهای داخلی کشور و همچنین در صادرات نفت و گاز ایفا می‌کنند. علاوه بر آن، ایران می‌تواند از ظرفیت‌های شیلاتی خود برای تأمین محصولات دریایی و ایجاد فرصت‌های شغلی در این بخش استفاده کند. صید و پرورش آبزیان به‌ویژه در مناطق ساحلی ایران، یکی از منابع مهم درآمدزایی است که می‌تواند به تقویت اقتصاد دریا محور کمک کند.

حمل‌ونقل دریایی یکی دیگر از بخش‌های مهم اقتصاد دریا محور ایران است. دریاها

به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل کالا و مسافر در سطح جهانی، نقش حیاتی در تسهیل تجارت و جابجایی کالا دارند. ایران با دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان، می‌تواند از این مسیرهای دریایی برای گسترش تجارت بین‌المللی خود بهره‌برداری کند. این امر به‌ویژه با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران در میان بازارهای بزرگ آسیا و اروپا، فرصت‌های چشمگیری را برای کشور فراهم می‌کند.

در کنار این موارد، گردشگری دریایی نیز به‌عنوان یک حوزه مهم و رو به رشد در اقتصاد دریا محور ایران مطرح است. سواحل زیبای ایران در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر می‌تواند مقصد گردشگران داخلی و خارجی باشد. این بخش از اقتصاد دریا محور علاوه بر ایجاد اشتغال و درآمدزایی، می‌تواند به معرفی ایران به‌عنوان یک مقصد گردشگری جهانی کمک کند. توسعه زیرساخت‌های گردشگری، بهبود امکانات و خدمات ساحلی و همچنین حفاظت از محیط‌زیست دریایی از جمله اقداماتی است که می‌تواند این بخش را به‌طور مؤثر گسترش دهد. یکی دیگر از ابعاد مهم در توسعه اقتصاد دریا محور، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی است. با توجه به بحران تغییرات اقلیمی و نیاز جهانی به منابع انرژی پاک، انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله انرژی بادی دریایی و انرژی موجی به‌عنوان منابع نوین برای تأمین انرژی در سطح جهانی مطرح شده‌اند. ایران با داشتن سواحل طولانی و پتانسیل‌های مناسب برای تولید انرژی از منابع دریایی، می‌تواند در این زمینه به توسعه ظرفیت‌های خود پرداخته و به یکی از کشورهای پیشگام در استفاده از این منابع انرژی تبدیل شود.

با وجود پتانسیل‌های عظیم ایران در بخش اقتصاد دریا محور، استفاده بهینه از این منابع نیازمند همکاری‌های بین‌المللی و مدیریت مؤثر است. دیپلماسی زیست‌محیطی به‌عنوان یک ابزار کلیدی در این زمینه، می‌تواند به ایران کمک کند تا ضمن بهره‌برداری از منابع دریایی خود، از تهدیدات زیست‌محیطی جلوگیری کند. این دیپلماسی به‌ویژه در زمینه‌های مدیریت منابع دریایی مشترک، حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار بسیار اهمیت دارد. در همین راستا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که دیپلماسی زیست‌محیطی ایران با

چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی در توسعه اقتصاد دریا محور ایران (۱۴۰۳\_۱۴۰۰): دمیرچیلو | ۱۸۳

چه مشکلات و چالش‌هایی در توسعه اقتصاد دریا محور طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ مواجه بوده است؟ در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مطرح می‌شود که دیپلماسی زیست‌محیطی ایران در توسعه اقتصاد دریا محور با چالش‌هایی از جمله تحریم‌های اقتصادی، آلودگی‌های دریایی و تغییرات اقلیمی، کمبود زیرساخت‌های مدیریتی و فقدان همکاری‌های بین‌المللی مواجه بوده است که این چالش‌ها مانع از توسعه پایدار و مؤثر اقتصاد دریا محور شده‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌ها و مشکلات دیپلماسی زیست‌محیطی ایران در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ در زمینه توسعه اقتصاد دریا محور است. این تحقیق با استفاده از روش کمی و جمع‌آوری داده‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی و داده‌های کمی ثانویه به دنبال شناسایی موانع اصلی پیش‌روی دیپلماسی زیست‌محیطی ایران می‌باشد و در نهایت، سعی دارد تا با تحلیل این موانع، راهکارهایی برای توسعه پایدار اقتصاد دریا محور ایران ارائه دهد.

### پیشینه پژوهش

موضوع چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی ایران در توسعه اقتصاد مبتنی بر دریا از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش‌ها در دو حوزه اصلی قابل طبقه‌بندی هستند:

۱. موانع و مشکلات دیپلماسی زیست‌محیطی در ایران: دیپلماسی زیست‌محیطی در ایران با چالش‌های متعددی در مدیریت منابع مشترک و همکاری‌های منطقه‌ای مواجه است. در این زمینه، مراد کاویانی‌راد و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش دیپلماسی آب در کاهش تنش‌های آبی ایران و عراق»، به تأثیر خشک‌سالی و برداشت بی‌رویه آب از مرزهای غربی ایران پرداخته‌اند. این اقدام موجب کاهش ورودی آب به عراق و افزایش تنش‌های هیدروپلیتیک میان دو کشور شده است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی آب می‌تواند نقشی استراتژیک در کاهش این تنش‌ها و تبدیل آن‌ها به همکاری ایفا کند (Kavianirad et al, 2022: 71-93). در همین راستا، رابرت چولدا (۲۰۲۲) در مقاله «امنیت آب ایران: چالشی نوظهور»، چالش‌های مربوط به منابع آبی را از جنبه‌های

سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل کرده است. وی به ارتباط قوی میان امنیت آب و بقای دولت‌ها اشاره دارد و تأکید می‌کند که ایران به دلیل تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی، یکی از کشورهای است که بیشترین آسیب را تجربه کرده است (Czulda, 2022: 113-123). یاسمن یگانه و احسان بخشنده (۲۰۲۲) نیز در مقاله «الگوی دیپلماسی آبی ایران برای ارتقای همکاری‌ها و جلوگیری از درگیری بر سر رودخانه‌های فرامرزی در جنوب غرب آسیا»، بر اهمیت دیپلماسی آب به عنوان ابزاری برای کاهش اثرات کمبود آب و تقویت همکاری‌های چندجانبه در حوزه منابع مشترک تأکید کرده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی آب ایران بر اصول «حسن نیت و همکاری»، «حفاظت از محیط زیست» و «تبادل داده‌ها و اطلاعات» استوار است (Yeganeh & Bakhshandeh, 2022: 331-358).

۲. چالش‌های مرتبط با اقتصاد دریامحور در ایران: تحقیقات در این حوزه به بررسی موانع و ظرفیت‌های توسعه اقتصادی مناطق ساحلی و دریایی ایران پرداخته‌اند. امیرنظام براتی و حمیدرضا اکبرپور (۱۴۰۳) در مقاله «آسیب‌شناسی توسعه دریامحور حوزه خلیج فارس و دریای مکران با تأکید بر عوامل بیرونی»، تأکید کرده‌اند که سواحل مکران و بخش‌هایی از خلیج فارس به دلیل عدم سرمایه‌گذاری و توجه کافی، از ظرفیت‌های بالقوه خود بهره‌برداری نکرده‌اند. آن‌ها معتقدند که با ایجاد زیرساخت‌های لازم و جذب سرمایه‌گذاری، می‌توان این مناطق را به مراکز توسعه دریامحور تبدیل کرد. این سواحل به دلیل امکان اسکان جمعیت فلات مرکزی کم‌آب ایران، توسعه حمل و نقل دریایی، تولید انرژی دریایی، بهره‌برداری از مواد معدنی و گسترش گردشگری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (براتی و اکبرپور، ۱۴۰۳: ۱-۱۶). احمدی و همکاران (۱۴۰۳) نیز در مقاله «بررسی تجارت فرامرزی استان بوشهر و شرکای تجاری ایران با تأکید بر اقتصاد دریامحور»، به تحلیل عوامل تأثیرگذار بر میزان صادرات استان بوشهر به شرکای تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جمعیت استان بوشهر و اندازه اقتصادی شرکای تجاری، تأثیر مثبتی بر میزان صادرات داشته‌اند.

با این حال، جمعیت کشورهای هدف به دلیل عوامل متعدد، تأثیری منفی بر میزان صادرات داشته است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۹-۹۸).

برخلاف تحقیقات پیشین که به صورت جداگانه به موضوعاتی مانند دیپلماسی زیست‌محیطی (مانند مدیریت منابع مشترک آبی) یا موانع و ظرفیت‌های اقتصادی مناطق ساحلی پرداخته‌اند، این پژوهش با تمرکز بر ارتباط مستقیم و متقابل این دو حوزه، به تحلیل نقش چالش‌های زیست‌محیطی در محدود کردن توسعه اقتصادی دریا محور پرداخته است. همچنین، درحالی که آثار قبلی غالباً به ظرفیت‌ها، فرصت‌ها یا سیاست‌های کلی توجه داشته‌اند، پژوهش حاضر بر شناسایی دقیق چالش‌ها و موانع عملیاتی متمرکز است و تلاش دارد این مسائل را با رویکردی بومی و کاربردی تحلیل کند. وجه تمایز دیگر این پژوهش، بررسی چالش‌های زیست‌محیطی فراتر از مسائل خاص (مانند مدیریت آب) و توجه به طیف وسیع‌تری از مسائل زیست‌محیطی مرتبط با دریا، از جمله تخریب محیط‌زیست دریایی و کمبود همکاری‌های منطقه‌ای است. این تمرکز میان‌رشته‌ای و تحلیلی بر چالش‌ها و تعامل آن‌ها با اقتصاد دریا محور، نوآوری و تمایز این پژوهش را نشان می‌دهد.

## چارچوب مفهومی

### اقتصاد سیاسی محیط‌زیست

اقتصاد سیاسی محیط‌زیست از دل نقدهای گسترده به نظام‌های اقتصادی و سیاسی که محیط‌زیست را به مثابه یک منبع بی‌پایان بهره‌برداری می‌بینند، سر برآورد. این نقدها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، زمانی که بحران‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا، کاهش تنوع زیستی و جنگل‌زدایی به مسائل جهانی تبدیل شدند، شکل گرفتند. آثار پیشگامی مانند بهار خاموش اثر ریچل کارسون (۱۹۶۲) نشان داد که بهره‌برداری انسان از طبیعت بدون در نظر گرفتن پیامدهای اکولوژیکی، به فروپاشی زیست‌محیطی منجر می‌شود (Carson, 1962: 12). گزارش «محدودیت‌های رشد» (۱۹۷۲) توسط باشگاه رم نیز تأثیر عمیقی بر ادبیات زیست‌محیطی گذاشت. این گزارش بر اساس مدل‌سازی سیستماتیک، هشدار داد که رشد اقتصادی بی‌رویه، به دلیل محدودیت منابع طبیعی، در نهایت به

بحران‌های اجتماعی و اکولوژیکی خواهد انجامید (Meadows et al, 1972: 27). دهه ۱۹۸۰ شاهد ظهور نظریه‌های انتقادی بود که رابطه میان نظام سرمایه‌داری و بحران‌های زیست‌محیطی را بررسی کردند. جیمز اوکانر در کتاب *علل طبیعی* (۱۹۹۸) به مفهوم «تناقض دوم سرمایه‌داری» پرداخت. او استدلال کرد که سرمایه‌داری علاوه بر بحران‌های ناشی از تضادهای طبقاتی، با بحران‌های زیست‌محیطی نیز مواجه است. این بحران‌ها ناشی از وابستگی شدید این نظام به بهره‌برداری از منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیست هستند (O'Connor, 1998: 40).

در قرن بیست و یکم، تغییرات اقلیمی، از بین رفتن تنوع زیستی و بحران‌های منابع آبی، توجه جهانی را به خود جلب کردند. اقتصاد سیاسی محیط‌زیست در این دوره به یک حوزه میان‌رشته‌ای جامع تبدیل شد که به بررسی اثرات سیاست‌های نئولیبرالی، جهانی شدن و نابرابری‌های زیست‌محیطی می‌پردازد. برای مثال، مطالعاتی مانند آثار الینور استروم درباره حکمرانی جمعی منابع طبیعی نشان داد که همکاری‌های محلی می‌توانند جایگزین مؤثری برای سیاست‌های متمرکز دولتی باشند (Ostrom, 2009: 15).

اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، یک حوزه تحلیلی میان‌رشته‌ای است که روابط متقابل بین قدرت سیاسی، نظام اقتصادی و محیط‌زیست را بررسی می‌کند و تلاش می‌کند تا نشان دهد چگونه ساختارهای اقتصادی، قدرت سیاسی و نابرابری‌های جهانی در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های زیست‌محیطی نقش دارند. برخلاف رویکردهای فنی و تکنیکی که غالباً بر کاهش آلودگی یا اصلاح سیاست‌ها تمرکز دارند، اقتصاد سیاسی محیط‌زیست به ریشه‌های ساختاری مشکلات زیست‌محیطی و چگونگی شکل‌گیری آن‌ها در دل نظام‌های اقتصادی و سیاسی می‌پردازد. اقتصاد سیاسی محیط‌زیست به‌عنوان یک چارچوب نظری، به بررسی روابط پیچیده میان اقتصاد، سیاست و محیط‌زیست می‌پردازد. این حوزه تلاش می‌کند نشان دهد چگونه قدرت‌های سیاسی و اقتصادی، سیاست‌ها و نابرابری‌ها در توزیع منابع و هزینه‌های زیست‌محیطی تأثیرگذار هستند. اقتصاد سیاسی محیط‌زیست به‌طور خاص به بررسی روابط قدرت و نابرابری‌های اجتماعی در مدیریت منابع طبیعی و پیامدهای

زیست‌محیطی می‌پردازد (Robbins, 2020: 15). یکی از ویژگی‌های اصلی اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، تمرکز بر نقش قدرت در مدیریت منابع طبیعی است. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ، اغلب منافع اقتصادی را بر پایداری زیست‌محیطی ترجیح می‌دهند. به‌عنوان مثال، پروژه‌های استخراج منابع در کشورهای آفریقایی و آسیایی معمولاً با حمایت دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شوند، اما هزینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی آن بر عهده جوامع محلی است (Bullard, 1990: 35).

در تحلیل‌های اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، چندین نظریه کلیدی برای درک رابطه پیچیده میان سیاست‌های اقتصادی، بحران‌های زیست‌محیطی و توزیع منابع طبیعی مطرح می‌شوند. یکی از این نظریات، نظریه نظام جهانی است که توسط ایمانوئل والرشتاین مطرح شد. طبق این دیدگاه، جهان به دو بخش هسته و پیرامون تقسیم می‌شود. کشورهای هسته با بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای پیرامونی به رشد و توسعه خود ادامه می‌دهند، در حالی که کشورهای پیرامونی به دلیل وابستگی به بازارهای جهانی و ناتوانی در کنترل منابع طبیعی خود، با بحران‌های زیست‌محیطی روبرو می‌شوند. این نظریه به‌وضوح نشان می‌دهد که چرا بحران‌های زیست‌محیطی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و کم‌درآمد شدیدتر و عمیق‌تر است. فشارهای اقتصادی و تجاری که کشورهای هسته بر کشورهای پیرامونی وارد می‌کنند، معمولاً به استخراج بی‌رویه منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیست منتهی می‌شود (Wallerstein, 2004: 35). نظریه دیگری که در تحلیل اقتصاد سیاسی محیط‌زیست اهمیت دارد، نظریه عدالت زیست‌محیطی است. این نظریه بر توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منافع زیست‌محیطی تأکید دارد و به‌ویژه بر آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی فقیرتر و اقلیت‌ها در برابر بحران‌های زیست‌محیطی اشاره می‌کند. طبق این دیدگاه، بحران‌های زیست‌محیطی اغلب به‌طور ناعادلانه بر کشورهای مختلف و گروه‌های اجتماعی توزیع می‌شود. کشورهای توسعه‌یافته که بیشترین سهم را در ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی دارند، اغلب کشورهای در حال توسعه و اقشار آسیب‌پذیر را به‌طور نامتناسبی

به عواقب تغییرات اقلیمی و تخریب منابع طبیعی دچار می‌کنند. این رویکرد به اقتصاد سیاسی محیط‌زیست کمک می‌کند تا نشان دهد که چطور بحران‌ها و چالش‌های زیست‌محیطی می‌توانند بار سنگینی برای کشورهای فقیرتر و گروه‌های آسیب‌پذیرتر باشند (Robbins, 2020: 22). از سوی دیگر، نئولیبرالیسم به‌عنوان یک رویکرد اقتصادی برجسته، تأکید زیادی بر تقویت بازارهای آزاد، خصوصی‌سازی منابع طبیعی و کاهش مداخلات دولتی دارد. این نظریه به‌ویژه در دوران جهانی‌سازی و اصلاحات اقتصادی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مطرح شد. طبق این دیدگاه، بازارهای کربن و تجارت آلاینده‌گی می‌توانند به‌عنوان راه‌حلی برای بحران‌های زیست‌محیطی مطرح شوند؛ اما در تحلیل‌های اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، این رویکرد نقد می‌شود زیرا نشان داده می‌شود که این سیاست‌ها در عمل بیشتر به نفع شرکت‌های بزرگ و کشورهای صنعتی عمل می‌کنند و نمی‌توانند مشکلات زیست‌محیطی واقعی را حل کنند. مکانیزم‌هایی مانند بازارهای کربن معمولاً بیشتر به دنبال منافع اقتصادی هستند تا حل بحران تغییرات اقلیمی و در بسیاری از موارد، نه تنها بحران‌ها را حل نمی‌کنند، بلکه آن‌ها را تشدید می‌کنند (Paterson, 2010: 50). نظریه مارکسیسم زیست‌محیطی نیز به‌طور گسترده‌ای در تحلیل‌های اقتصاد سیاسی محیط‌زیست به کار گرفته می‌شود. این نظریه بر رابطه میان سرمایه‌داری و بحران‌های زیست‌محیطی تأکید دارد و بر این باور است که بحران‌های زیست‌محیطی نتیجه مستقیم ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه سرمایه‌داری است. طبق این دیدگاه، سرمایه‌داری به دنبال رشد بی‌پایان است که با محدودیت‌های طبیعی و ظرفیت‌های اکولوژیکی در تضاد است. در این راستا، سرمایه‌داری از طریق بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیست، بحران‌های زیست‌محیطی را تشدید می‌کند. به‌ویژه این بحران‌ها در کشورهای تولیدکننده منابع طبیعی که این منابع به کشورهای صنعتی صادر می‌شود، بیشتر احساس می‌شود (O'Connor, 1998: 40). مفهوم اقتصاد سیاسی محیط‌زیست ابعاد و ویژگی‌های مختلفی دارد که به تحلیل روابط پیچیده میان نظام‌های اقتصادی و چالش‌های زیست‌محیطی می‌پردازد. در ادامه به مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های این مفهوم بدون توجه به

نظریه‌های خاص پرداخته خواهد شد.

۱. تحلیل قدرت و نابرابری‌ها: یکی از ویژگی‌های برجسته اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، تحلیل ساختارهای قدرت و نابرابری‌های موجود در سطح جهانی است. این حوزه به‌ویژه به توزیع ناعادلانه منابع طبیعی و تأثیرات بحران‌های زیست‌محیطی بر کشورهای مختلف و گروه‌های اجتماعی پرداخته و تأکید دارد که کشورهای پیشرفته معمولاً بیشترین سهم را در آلودگی‌های زیست‌محیطی دارند و در مقابل، کشورهای در حال توسعه و گروه‌های فقیرتر بیشتر از آثار این بحران‌ها آسیب می‌بینند. این رویکرد به‌ویژه در ارتباط با مسائل تغییرات اقلیمی، آلودگی و کاهش تنوع زیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد (Robbins, 2020: 25).

۲. توجه به سیاست‌های زیست‌محیطی و اقتصادی: اقتصاد سیاسی محیط‌زیست همچنین بر تحلیل سیاست‌های زیست‌محیطی و اقتصادی تأکید دارد. این رشته به‌طور خاص به این موضوع می‌پردازد که چگونه سیاست‌های اقتصادی، مانند تجارت آزاد، خصوصی‌سازی منابع و کاهش مداخلات دولتی، می‌توانند تأثیرات زیست‌محیطی داشته باشند. در بسیاری از موارد، سیاست‌های اقتصادی نتولیرال می‌توانند منجر به افزایش فشار بر منابع طبیعی و تشدید بحران‌های زیست‌محیطی شوند. در این زمینه، توجه به نقش دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در تنظیم و مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی اهمیت دارد (Paterson, 2010: 60).

۳. تأکید بر پایداری و محدودیت‌های طبیعی: اقتصاد سیاسی محیط‌زیست به‌طور عمده بر پایداری زیست‌محیطی و اهمیت رعایت محدودیت‌های طبیعی تأکید دارد. این دیدگاه بر این باور است که توسعه اقتصادی باید با ظرفیت‌های اکولوژیکی و محدودیت‌های طبیعی سازگار باشد. در نتیجه، رشد بی‌پایان اقتصادی که غالباً از طریق بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی حاصل می‌شود، باید محدود و با ملاحظات زیست‌محیطی هم‌راستا گردد. هدف این رویکرد تأمین منافع بلندمدت بشر و حفظ اکوسیستم‌های طبیعی است (O'Connor, 1998: 45).

۴. عدالت اجتماعی و محیط‌زیستی: یکی دیگر از ویژگی‌های اقتصاد سیاسی محیط‌زیست،

توجه به عدالت اجتماعی است. در این رویکرد، به توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منافع زیست‌محیطی اشاره می‌شود و بررسی می‌شود که چگونه گروه‌های اجتماعی مختلف، به ویژه فقرا و اقلیت‌ها، بیشتر از بحران‌های زیست‌محیطی آسیب می‌بینند. این مفهوم به ویژه در زمینه‌های تغییرات اقلیمی و آلودگی‌های محیطی اهمیت دارد که در آن، کشورهای صنعتی مسئول بخش عمده‌ای از آلودگی‌ها هستند اما کشورهای در حال توسعه بیشترین آسیب را از این بحران‌ها می‌بینند (Robbins, 2020:28).

۵. نقد مدل‌های اقتصادی و بازاری: اقتصاد سیاسی محیط‌زیست همچنین به نقد مدل‌های اقتصادی و بازاری که به ویژه در دوران جهانی‌سازی مطرح شده‌اند، می‌پردازد. بسیاری از این مدل‌ها، مانند بازارهای کربن و تجارت آلاینده‌ها، به عنوان راه‌حل‌هایی برای بحران‌های زیست‌محیطی معرفی می‌شوند، اما اقتصاد سیاسی محیط‌زیست نشان می‌دهد که این رویکردها اغلب نمی‌توانند به طور مؤثر مشکلات زیست‌محیطی را حل کنند و بیشتر منافع اقتصادی را به دنبال دارند تا حفاظت از محیط‌زیست. این نقدها به ویژه در زمینه‌های تغییرات اقلیمی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برجسته است (Paterson, 2010:65).

مفهوم اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، چارچوبی نظری برای تحلیل تعاملات میان نیروهای اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی فراهم می‌کند و به بررسی چگونگی تأثیر این عوامل بر سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت منابع طبیعی می‌پردازد. این مفهوم به ویژه در زمینه‌هایی که توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست با یکدیگر تلاقی دارند، از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به اینکه دیپلماسی زیست‌محیطی ایران در توسعه اقتصاد دریا محور تحت تأثیر عواملی مانند تحریم‌های اقتصادی، آلودگی‌های دریایی و کمبود همکاری‌های بین‌المللی قرار دارد، اقتصاد سیاسی محیط‌زیست امکان مطالعه این عوامل به عنوان بخشی از یک نظام کلی را فراهم می‌کند. این چارچوب مفهومی به پژوهش اجازه می‌دهد تا چالش‌های موجود را در بستر سیاست‌های داخلی و روابط بین‌المللی تحلیل کند و ارتباط آن‌ها با فرآیند توسعه اقتصادی مبتنی بر منابع دریایی را بررسی کند.

## دیپلماسی زیست‌محیطی ایران

دیپلماسی زیست‌محیطی شامل مذاکره، گفتگو، متقاعدسازی و دستیابی به توافق میان کشورها در زمینه مسائل زیست‌محیطی است. برای تضمین تعهد کشورها به همکاری، معاهداتی در سطوح دوجانبه، چندجانبه و جهانی امضا می‌شود. به این ترتیب، هرچه یک کشور در تعداد بیشتری از این معاهدات مشارکت داشته باشد، نقش دیپلماتیک فعال‌تری در مسائل زیست‌محیطی ایفا می‌کند (Li, 2020: 2).

دیپلماسی زیست‌محیطی را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: قوانین مربوط به بهره‌برداری از منابع طبیعی و مقررات کنترل آلودگی. مشکل اصلی اینجاست که مرزهای سیاسی با مرزهای زیست‌محیطی تطابق ندارند و همین امر باعث می‌شود فعالیت‌های اقتصادی یک کشور، با مصرف منابع و تولید آلودگی، پیامدهای زیست‌محیطی فراتر از مرزهای آن ایجاد کند (Padash et al, 2019: 349). دیپلماسی زیست‌محیطی ایران به عنوان یکی از ابعاد کلیدی سیاست خارجی، در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور جایگاهی ویژه دارد. با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران و دسترسی به منابع آبی وسیع در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، این نوع دیپلماسی نقشی حیاتی در مدیریت پایدار منابع طبیعی و کاهش بحران‌های زیست‌محیطی ایفا می‌کند (UNFCCC, 2019). ایران در بسیاری از توافق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی مشارکت فعال دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کنوانسیون تغییرات اقلیمی (UNFCCC) و کنوانسیون تنوع زیستی (CBD) اشاره کرد. این کنوانسیون‌ها به کشورها امکان می‌دهند تا از طریق اقدامات مشترک، به مقابله با بحران‌هایی نظیر تغییرات اقلیمی، کاهش تنوع زیستی و آلودگی‌های محیطی بپردازند (Convention on Biological Diversity, 2019). ایران نیز در چارچوب این معاهدات، به‌ویژه در راستای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و حفاظت از منابع زیستی خود، نقش مؤثری ایفا می‌کند. در عرصه منطقه‌ای، ایران با حضور فعال در سازمان‌ها و پیمان‌های زیست‌محیطی مانند سازمان حفاظت از محیط‌زیست دریایی خلیج فارس (ROPME) و سایر توافق‌نامه‌های منطقه‌ای، به

توسعه همکاری‌ها برای حفاظت از اکوسیستم‌های دریایی و کاهش آلودگی‌های نفتی و صنعتی در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان کمک کرده است (ROPME, 2017).

## چالش‌های زیست‌محیطی

### ۱. تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی تأثیرات عمده‌ای بر بخش‌های مختلف اقتصاد کشور، به ویژه اقتصاد دریامحور، داشته است. یکی از بزرگ‌ترین تأثیرات این تحریم‌ها، محدودیت‌های شدید در صادرات نفت ایران است. این صادرات که بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی کشور را تأمین می‌کند، عمدتاً از طریق حمل و نقل دریایی انجام می‌شود؛ بنابراین، تحریم‌ها که بر کشتیرانی ایران و شرکت‌های نفتی مرتبط با این حوزه اعمال شده‌اند، تأثیر مستقیمی بر جریان درآمدی کشور از منابع نفتی داشته است. ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی با هدف کاهش درآمدهای نفتی ایران، تحریم‌هایی را علیه کشتی‌ها و شرکت‌های مرتبط با صادرات نفت اعمال کرده‌اند (U.S. Department of the Treasury, 2020). محدودیت در دسترسی به خدمات کشتیرانی و بیمه بین‌المللی، توانایی ایران برای تجارت غیرنفتی را نیز کاهش داده است. ایران که به طور سنتی وابسته به درآمدهای نفتی بوده، اکنون ناچار است به دنبال راه‌حلی برای مدیریت بحران اقتصادی خود باشد. در واکنش به این مشکلات اقتصادی، ایران تلاش کرده است تا روابط خود را با کشورهای غیرغربی، به ویژه چین، تقویت کند. علاوه بر این، ایران به دنبال نوسازی و توسعه زیرساخت‌های داخلی بوده است تا وابستگی خود به خدمات و فناوری‌های خارجی را کاهش دهد. در این راستا، ایران در بخش‌های مختلف صنعت کشتی‌سازی و حمل و نقل دریایی سرمایه‌گذاری کرده است تا بتواند از ظرفیت‌های داخلی خود استفاده کند و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی خود را کاهش دهد (The times, 2024). در نهایت، تحریم‌ها به ویژه از طریق نظارت‌های شدید بر کشتی‌ها و شبکه‌های نفتی ایران، فشارهای بیشتری به ایران وارد کرده‌اند. ایالات متحده و کشورهای غربی با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، سعی کرده‌اند ایران را از دور زدن تحریم‌ها و صادرات نفت از طریق روش‌های غیررسمی

چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی در توسعه اقتصاد دریا محور ایران (۱۴۰۳\_۱۴۰۰)؛ دمیرچیلو | ۱۹۳

مانند «ناوگان تاریک» محدود کنند. این نظارت‌ها شامل ردیابی کشتی‌ها و شناسایی شبکه‌های ناقص تحریم‌ها است و همچنین اعمال تحریم‌های جدید علیه کشتی‌ها و شرکت‌های مرتبط با این عملیات‌ها نیز در دستور کار قرار گرفته است. چنین اقدامات و فشارهای بین‌المللی، ایران را به سمت استفاده از روش‌های پرهزینه‌تر و پرریسک‌تر سوق داده است (U.S. Department of the Treasury, 2024).

## ۲. آلودگی‌های دریایی و تغییرات اقلیمی

در طول سال‌های اخیر، ایران به‌عنوان یکی از کشورهای دارای موقعیت استراتژیک در منطقه، با چالش‌های عمده زیست‌محیطی در حوزه دریاهای روبه‌رو بوده است. این چالش‌ها که عمدتاً شامل آلودگی‌های دریایی و تغییرات اقلیمی می‌شوند، توسعه پایدار اقتصاد دریا محور ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در ادامه، این مسائل با جزئیات بیشتری بررسی می‌شود.

### الف. آلودگی‌های دریایی در مناطق استراتژیک ایران

خلیج فارس، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق دریایی جهان و محل عبور بیش از ۳۰ درصد نفت تجاری جهان، با فشار شدید ناشی از فعالیت‌های نفتی و صنعتی مواجه بوده است. مطالعات نشان می‌دهند که سالانه بیش از ۳۰ هزار تن آلودگی نفتی وارد خلیج فارس می‌شود و اکوسیستم‌های مرجانی این منطقه که زیربنای بسیاری از فعالیت‌های شیلاتی هستند، در حال تخریب‌اند (UNEP, 2022: 14). این آلودگی‌ها به کاهش تنوع زیستی و کاهش ذخایر ماهیان مهم از جمله هامور و میگو انجامیده است که برای جوامع محلی از نظر اقتصادی و غذایی حیاتی هستند. در دریای خزر نیز، ورود آلاینده‌های صنعتی از رودخانه ولگا و سایر منابع آلاینده، شرایط زیستی را برای گونه‌های مهمی مانند ماهیان خاویاری دشوار کرده است. گزارش مرکز محیط‌زیست دریای خزر نشان می‌دهد که ذخایر این ماهیان طی دو دهه اخیر به کمتر از نصف کاهش یافته است (CEP, 2023). این کاهش بر اقتصاد شیلات ایران که از صادرکنندگان عمده خاویار جهان محسوب می‌شود، اثرات

منفی شدیدی گذاشته است.

### ب. تغییرات اقلیمی و اثرات آن بر اکوسیستم‌های دریایی ایران

تغییرات اقلیمی چالش گسترده‌تری را برای ایران در حوزه دریاها ایجاد کرده است. افزایش دمای آب دریاها در خلیج فارس و دریای عمان یکی از آثار محسوس تغییرات اقلیمی است. این افزایش دما زیستگاه‌های مرجانی را تحت تأثیر قرار داده و موجب سفیدشدگی مرجان‌ها شده است. علاوه بر این، بالا آمدن سطح آب دریاها در نتیجه ذوب یخ‌های قطبی به تهدید جدی برای زیرساخت‌های ساحلی ایران تبدیل شده است. زیرساخت‌های بندری در جنوب ایران، از جمله بندرعباس و چابهار، به دلیل قرارگیری در معرض بالا آمدن سطح آب و فرسایش ساحلی با خطر جدی مواجه هستند. این موضوع نه تنها بر فعالیت‌های تجاری بلکه بر امنیت مناطق مسکونی نیز تأثیر منفی گذاشته است. این چالش‌ها اثرات متعددی بر اقتصاد ایران داشته‌اند. کاهش ذخایر ماهیان و تخریب اکوسیستم‌های دریایی به کاهش تولیدات شیلاتی و درآمدهای حاصل از صادرات محصولات دریایی منجر شده است. همچنین، تخریب زیرساخت‌های ساحلی و بندری هزینه‌های سنگینی را برای بازسازی و مدیریت بحران به دولت تحمیل کرده است. از نظر زیست‌محیطی نیز، تخریب اکوسیستم‌های دریایی باعث کاهش خدمات زیست‌بومی از جمله کنترل سیلاب، تأمین غذا و تنظیم کربن شده است (IPCC, 2022).

### ۳. کمبود زیرساخت‌های مدیریتی در توسعه اقتصاد دریا محور

ایران با دارا بودن سواحل طولانی در شمال و جنوب، منابع دریایی گسترده و موقعیت جغرافیایی استراتژیک در منطقه، ظرفیت‌های فراوانی برای توسعه اقتصاد دریا محور دارد. این بخش از اقتصاد به‌ویژه در کشورهای دارای مرزهای دریایی اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند زمینه‌ساز رشد و توسعه پایدار باشد؛ اما در ایران، چالش‌های متعددی در این حوزه وجود دارد که به‌ویژه به کمبود زیرساخت‌های مدیریتی مرتبط می‌شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به ضعف در مدیریت بنادر، کمبود ظرفیت‌های دیپلماسی زیست‌محیطی،

نیاز به نیروی انسانی متخصص در این حوزه و فقدان سیاست‌گذاری استراتژیک یکپارچه اشاره کرد. این مسائل به‌طور مستقیم بر بهره‌برداری بهینه از منابع دریایی و توسعه اقتصاد دریا محور تأثیر گذاشته است.

#### الف. ضعف مدیریتی در بنادر و زیرساخت‌های دریایی

یکی از بارزترین ابعاد کمبود زیرساخت‌های مدیریتی در ایران، مشکلات مرتبط با بنادر و زیرساخت‌های دریایی است. بنادر کشور به دلیل عدم استفاده از فناوری‌های نوین مدیریتی و تجهیزات پیشرفته، از کارایی و بهره‌وری پایین‌تری نسبت به رقبای منطقه‌ای برخوردار هستند. این ضعف باعث شده که بنادر ایران نتوانند به‌عنوان گره‌های کلیدی در زنجیره تأمین جهانی ایفای نقش کنند. در حال حاضر، بخش زیادی از بنادر ایران از تجهیزات قدیمی استفاده می‌کنند که توان رقابت با بنادر پیشرفته منطقه مانند جبل علی را ندارند. این ضعف به‌ویژه در فرآیندهای تخلیه، بارگیری و ذخیره‌سازی کالا محسوس است. به دلیل عدم به‌روزرسانی تجهیزات و نبود فناوری‌های پیشرفته، زمان تخلیه و بارگیری در بنادر ایران به‌طور قابل توجهی طولانی‌تر است که این امر باعث افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش جذابیت بنادر ایران برای تجار بین‌المللی شده است. یکی دیگر از جنبه‌های ضعف مدیریتی در بنادر، فقدان سیستم‌های یکپارچه برای مدیریت عملیات بندری است. سیستم‌های مدرن مدیریتی مانند مدیریت هوشمند بار و ردیابی دیجیتال در بنادر ایران به‌صورت کامل اجرایی نشده‌اند. این موضوع باعث می‌شود که فرآیندهای لجستیکی پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر شوند. در بسیاری از موارد، نبود هماهنگی بین نهادهای مرتبط مانند سازمان بنادر و گمرک، موجب ایجاد اختلال در روند عملیات بندری می‌شود. این مشکلات باعث شده است که بنادر ایران نتوانند به‌هنگام‌های منطقه‌ای برای انتقال کالا تبدیل شوند. علاوه بر این، ضعف در رقابت‌پذیری بنادر ایران منجر به کاهش حجم تجارت خارجی و انتقال کالا به بنادر کشورهای همسایه مانند امارات و عمان شده است. این وضعیت نه تنها به اقتصاد ملی ضربه وارد می‌کند، بلکه موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه را نیز تضعیف می‌کند (Alavi, 2019: 25).

### ب. کمبود ظرفیت دیپلماسی زیست‌محیطی

یکی دیگر از ابعاد کمبود زیرساخت‌های مدیریتی، عدم استفاده از ظرفیت دیپلماسی زیست‌محیطی است. ایران به دلیل ضعف مدیریتی نتوانسته است در پروژه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با حفاظت از منابع دریایی مشارکت مؤثری داشته باشد. آلودگی‌های دریایی از جمله آلودگی نفتی، صنعتی و دفع غیرمسئولانه پسماندها، چالش‌های بزرگی برای خلیج فارس و دریای عمان ایجاد کرده است. این مشکلات به دلیل نبود برنامه‌های مؤثر مدیریتی برای نظارت و کاهش آلودگی‌ها همچنان پابرجا هستند. ایران تاکنون نتوانسته است در برنامه‌های منطقه‌ای برای کاهش آلودگی دریایی و حفاظت از زیستگاه‌های آبی مشارکت فعال داشته باشد. تخریب زیستگاه‌های دریایی و کاهش تنوع زیستی آبریان مستقیماً بر بخش‌های اقتصادی وابسته به دریا، مانند شیلات و گردشگری دریایی، تأثیر گذاشته است. این تأثیرات منفی نه تنها به از دست رفتن درآمدهای مستقیم منجر شده، بلکه توسعه پایدار اقتصاد دریا محور را نیز با مشکل مواجه کرده است (UNEP, 2020).

### ج. کمبود نیروی انسانی متخصص

یکی دیگر از جنبه‌های کمبود زیرساخت‌های مدیریتی، فقدان نیروی انسانی متخصص در حوزه‌های کلیدی مرتبط با اقتصاد دریایی است. درحالی که کشورهای موفق در این حوزه مانند چین و سنگاپور به شدت بر آموزش و تربیت نیروی متخصص تمرکز کرده‌اند، ایران در این زمینه سرمایه‌گذاری کافی انجام نداده است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ایران برنامه‌های محدودی در زمینه مدیریت بنادر، لجستیک دریایی و فناوری‌های دریایی ارائه می‌دهند. این موضوع باعث شده است که نیروی کار آموزش‌دیده و متخصص در این حوزه‌ها به اندازه کافی در دسترس نباشد. ارتباط ضعیف بین دانشگاه‌ها و صنایع دریایی نیز یکی دیگر از عوامل کمبود نیروی متخصص است. این ضعف باعث شده که دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی به مهارت‌های عملی لازم برای کار در این صنعت دست پیدا نکنند. نبود برنامه‌های کارآموزی و پروژه‌های مشترک بین صنعت و دانشگاه از دیگر مشکلات

چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی در توسعه اقتصاد دریا محور ایران (۱۴۰۳\_۱۴۰۰): دمیرچیلو | ۱۹۷

موجود است. کمبود نیروی انسانی متخصص منجر به کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌ها در مدیریت بنادر و سایر بخش‌های مرتبط با اقتصاد دریا محور شده است. علاوه بر این، وابستگی به نیروی کار غیرمتخصص و بعضاً خارجی در پروژه‌های بزرگ دریایی نیز به مشکلات مدیریتی دامن زده است (IMO, 2023).

#### د. ضعف سیاست‌گذاری استراتژیک

فقدان سیاست‌های بلندمدت و یکپارچه برای مدیریت و توسعه اقتصاد دریایی یکی از موانع اصلی در این حوزه است. ایران به جای اتخاذ رویکردی پیش‌دستانه، اغلب به صورت واکنشی به مشکلات موجود پاسخ داده است. تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در حوزه اقتصاد دریایی و نبود هماهنگی میان آنها باعث شده است که سیاست‌ها به صورت پراکنده و غیرهماهنگ اجرا شوند. این موضوع منجر به افزایش تناقضات در اجرای قوانین و مقررات شده است. ایران فاقد یک سند جامع و استراتژی بلندمدت برای مدیریت منابع دریایی، توسعه زیرساخت‌ها و بهره‌برداری پایدار از ظرفیت‌های دریایی است. نبود چنین برنامه‌ای باعث شده که تصمیم‌گیری‌ها کوتاه‌مدت و اغلب ناکارآمد باشند (Brookings Institution, 2023).

#### ۴. کمبود همکاری‌های بین‌المللی

در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳، ایران با چالش‌های متعددی در حوزه دیپلماسی زیست‌محیطی مرتبط با اقتصاد دریا محور مواجه بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، کمبود همکاری‌های بین‌المللی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه پایدار و مدیریت منابع دریایی دارد. بررسی این مسئله نشان می‌دهد که عوامل متعددی در این ناکامی تأثیرگذار بوده‌اند که به تحلیل آنها می‌پردازیم.

#### الف. عدم وجود توافقات منطقه‌ای و چندجانبه در حوزه دریایی

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، در سه حوزه دریایی مهم شامل خلیج فارس، دریای

عمان و دریای خزر قرار دارد. این مناطق به دلیل تنوع زیستی، منابع معدنی و موقعیت استراتژیک از اهمیت بالایی برخوردارند. با این حال، فقدان توافق‌های جامع منطقه‌ای میان ایران و کشورهای همسایه برای مدیریت منابع دریایی و مقابله با مشکلات زیست‌محیطی از جمله مهم‌ترین چالش‌های این دوره بوده است. برای مثال، دریای خزر طی سال‌های اخیر با کاهش قابل توجه سطح آب مواجه شده است. این پدیده که ناشی از تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری ناپایدار از منابع است، تأثیرات منفی بر اکوسیستم دریایی، معیشت جوامع ساحلی و فعالیت‌های اقتصادی گذاشته است. با وجود این، ایران و سایر کشورهای حاشیه این دریا تاکنون موفق به تدوین یک چارچوب جامع همکاری برای مقابله با این معضل نشده‌اند. این مسئله ناشی از اختلافات سیاسی، نبود اعتماد متقابل و عدم هماهنگی در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای است (UNEP, 2024).

#### ب. افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در خلیج فارس

یکی دیگر از جلوه‌های نبود همکاری‌های بین‌المللی، افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در خلیج فارس است. این منطقه به دلیل وجود منابع عظیم نفت و گاز، همواره با خطرات زیست‌محیطی ناشی از نشت نفت و آلودگی‌های صنعتی مواجه بوده است. با این حال، کشورهای حاشیه خلیج فارس تاکنون نتوانسته‌اند یک سازوکار مؤثر برای مقابله با این آلودگی‌ها ایجاد کنند. در سال‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از افزایش آلودگی‌های نفتی در این منطقه منتشر شده است که تأثیرات جدی بر اکوسیستم دریایی، از جمله آبریزان و آبسنگ‌های مرجانی داشته است. نبود همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه نه تنها به تشدید بحران زیست‌محیطی منجر شده، بلکه فرصت‌های اقتصادی مانند توسعه شیلات و گردشگری ساحلی را نیز محدود کرده است (Khazali & Taghavi, 2021: 4).

#### ج. حضور کم‌رنگ ایران در مجامع بین‌المللی زیست‌محیطی

حضور کم‌رنگ ایران در مجامع بین‌المللی مرتبط با محیط‌زیست دریایی یکی دیگر از دلایل ناکامی در ایجاد همکاری‌های بین‌المللی بوده است. در سال‌های اخیر، کنفرانس‌ها و

چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی در توسعه اقتصاد دریا محور ایران (۱۴۰۳\_۱۴۰۰): دمیرچیلو | ۱۹۹

نشست‌های مهمی در زمینه تغییرات اقلیمی و حفاظت از اقیانوس‌ها برگزار شده است. برای مثال، در کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (COP27) که در سال ۱۴۰۱ برگزار شد، بسیاری از کشورهای ساحلی توانستند طرح‌های خود را برای حفاظت از محیط‌زیست دریایی و توسعه پایدار ارائه دهند و حمایت‌های بین‌المللی، شامل منابع مالی و فناوری را جلب کنند؛ اما ایران در این نشست‌ها حضور کم‌رنگی داشته و نتوانسته است از این فرصت‌ها بهره‌برداری کند. فقدان یک استراتژی مشخص برای تعامل با سازمان‌های بین‌المللی زیست‌محیطی، از جمله برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP) و سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO)، باعث شده است که ایران در عرصه بین‌المللی نقش مؤثری در مدیریت منابع دریایی ایفا نکند. این ضعف دیپلماسی نه تنها منجر به از دست رفتن فرصت‌های همکاری شده، بلکه جایگاه ایران را در نظام بین‌المللی تضعیف کرده است.

(Gulf Research Center, 2023:9-10)

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد به بررسی چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی ایران در توسعه اقتصاد دریا محور پرداخته شود. بر اساس یافته‌های پژوهش با روی کار آمدن دولت سیزدهم در ایران در سال ۱۴۰۰، تحولات عمده‌ای در سیاست‌های داخلی و خارجی کشور به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی مشاهده شد. در این دوره، توسعه اقتصاد دریا محور و دیپلماسی زیست‌محیطی ایران با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه بوده است. این چالش‌ها به‌ویژه در چهار بعد تحریم‌های اقتصادی، آلودگی‌های دریایی و تغییرات اقلیمی، کمبود زیرساخت‌های مدیریتی و ضعف در همکاری‌های بین‌المللی قابل توجه است. این مسائل نه تنها بر سیاست‌ها و برنامه‌های داخلی کشور تأثیرگذار بوده بلکه در تعاملات بین‌المللی ایران نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا کرده است. تحریم‌های اقتصادی، یکی از اصلی‌ترین موانع در مسیر توسعه اقتصاد دریا محور ایران بوده است. این تحریم‌ها که عمدتاً بر صادرات نفت و کشتیرانی کشور تأثیر گذاشته، توانایی ایران در تأمین منابع مالی و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین را محدود کرده است. از دیدگاه چارچوب مفهومی

اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، تحریم‌ها نه تنها به عنوان موانع اقتصادی، بلکه به عنوان عواملی که بر سیاست‌های زیست‌محیطی و تعاملات بین‌المللی کشور تأثیر دارند، در نظر گرفته می‌شوند. این تحریم‌ها در کنار محدودیت‌های اقتصادی، ایران را از دستیابی به منابع لازم برای مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی و توسعه پایدار اقتصاد دریا محور محروم کرده است. به‌ویژه در زمینه صادرات نفت و استفاده از درآمدهای ارزی حاصل از آن، تحریم‌ها موجب کاهش قدرت رقابت‌پذیری ایران در عرصه‌های جهانی و عدم دسترسی به بازارهای بین‌المللی برای کالاها و خدمات مرتبط با اقتصاد دریا محور شده است. آلودگی‌های دریایی و تغییرات اقلیمی نیز به عنوان چالش‌های زیست‌محیطی عمده ایران مطرح هستند که بر توسعه اقتصاد دریا محور تأثیرگذار بوده‌اند. این مسائل که به‌ویژه از نتایج بحران‌های جهانی و فشارهای زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و نفتی هستند، تأثیرات منفی زیادی بر منابع دریایی و اکوسیستم‌های مرتبط دارند. ایران به‌ویژه در بخش‌های شیلات، حمل‌ونقل دریایی و گردشگری از این مشکلات متضرر شده است. در چارچوب اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، این بحران‌های زیست‌محیطی نه تنها موجب کاهش بهره‌وری منابع طبیعی شده‌اند بلکه سیاست‌گذاری‌های ناپایدار داخلی و کمبود هماهنگی میان نهادهای مختلف مدیریتی را نیز در پی داشته‌اند. این ناتوانی‌ها در مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی موجب کاهش ظرفیت ایران در استفاده بهینه از منابع دریایی و توسعه پایدار در این حوزه گردیده است. یکی دیگر از مشکلات مهم در مسیر توسعه اقتصاد دریا محور ایران، کمبود زیرساخت‌های مدیریتی است. ایران با وجود برخورداری از منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک، به دلیل ضعف در مدیریت بنادر، کمبود نیروی انسانی متخصص و عدم وجود سیاست‌های یکپارچه در سطح کشور، نتوانسته است از ظرفیت‌های بالقوه‌اش به‌طور مؤثر بهره‌برداری کند. در چارچوب اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، این مشکلات مدیریتی به عنوان عوامل داخلی شناسایی می‌شوند که در نهایت بر توانایی ایران در بهره‌برداری از منابع دریایی و نیروی کار متخصص تأثیر منفی گذاشته است. همچنین، فقدان سیاست‌های استراتژیک یکپارچه در سطح ملی باعث شده است که اقدامات پراکنده

چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی در توسعه اقتصاد دریا محور ایران (۱۴۰۳\_۱۴۰۰): دمیرچیلو | ۲۰۱

و ناکارآمدی در مدیریت منابع دریایی کشور اعمال شود. در نهایت، کمبود همکاری‌های بین‌المللی در حوزه دیپلماسی زیست‌محیطی یکی از چالش‌های عمده ایران در سال‌های اخیر بوده است. ایران به دلیل شرایط سیاسی خاص خود، نتوانسته است به‌طور مؤثر در مجامع بین‌المللی زیست‌محیطی حضور پیدا کند و همکاری‌های لازم را در راستای مدیریت منابع دریایی و حل بحران‌های زیست‌محیطی برقرار سازد. در چارچوب اقتصاد سیاسی محیط‌زیست، این موضوع به‌عنوان یکی از عواملی شناخته می‌شود که تأثیرات زیادی بر توانمندی ایران در حل مشکلات زیست‌محیطی و استفاده بهینه از منابع دریایی دارد. فقدان حضور فعال ایران در این مجامع، سبب شده که کشور از دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، منابع مالی و تجربیات دیگر کشورها در زمینه مدیریت منابع دریایی محروم بماند.

در مجموع، تحلیل چالش‌ها و مشکلات دیپلماسی زیست‌محیطی ایران در راستای توسعه اقتصاد دریا محور بر اساس چارچوب مفهومی اقتصاد سیاسی محیط‌زیست نشان می‌دهد که این مشکلات به‌طور پیچیده‌ای در پیوند با متغیرهای اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی قرار دارند. تحریم‌های اقتصادی، آلودگی‌های دریایی، تغییرات اقلیمی، کمبود زیرساخت‌های مدیریتی و ضعف در همکاری‌های بین‌المللی، به‌طور مشترک مانع از تحقق توسعه پایدار در این حوزه شده‌اند. این مشکلات نه تنها از لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی، بلکه در عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک نیز به‌طور هم‌زمان اثرات منفی خود را به نمایش گذاشته‌اند.

### توصیه سیاستی

با توجه به چالش‌های متعدد ایران در زمینه دیپلماسی زیست‌محیطی و توسعه اقتصاد دریا محور، ارائه راهکارهای سیاستی مناسب و مؤثر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب در این زمینه می‌تواند به بهبود وضعیت موجود و تحقق توسعه پایدار کمک کند. در این راستا، در ادامه به معرفی راهکارهای سیاستی مؤثر در جهت توسعه اقتصاد دریا محور و بهبود دیپلماسی زیست‌محیطی ایران پرداخته خواهد شد.

۱. تقویت دیپلماسی زیست محیطی و اقتصادی: تقویت روابط ایران با کشورهای همسایه و قدرت های اقتصادی جهانی در زمینه های زیست محیطی و اقتصادی می تواند به ویژه در حوزه مدیریت منابع دریایی، استفاده از فناوری های نوین و مقابله با بحران های زیست محیطی مؤثر واقع شود. مشارکت فعال در کنوانسیون های بین المللی مانند کنوانسیون تنوع زیستی (CBD) و برنامه های جهانی برای مدیریت منابع آبی و دریایی می تواند نقشی کلیدی در تسهیل همکاری های بین المللی ایفا کند.

۲. سرمایه گذاری در فناوری های انرژی های دریایی و تجدیدپذیر: توجه به فناوری های پیشرفته، به ویژه انرژی های تجدیدپذیر دریایی همچون انرژی باد و امواج، می تواند موجب بهره برداری بهینه از منابع دریایی و کاهش وابستگی به سوخت های فسیلی شود. این فناوری ها در کنار تقویت زیرساخت های انرژی پایدار، امکان توسعه اقتصادی و زیست محیطی کشور را فراهم می آورد.

۳. ارتقای زیرساخت های بنادر و حمل و نقل دریایی: با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران، توسعه زیرساخت های بنادر و حمل و نقل دریایی در مناطق جنوبی می تواند موجب تسهیل تجارت بین المللی و تسریع در رشد اقتصاد دریا محور شود. سرمایه گذاری در تجهیزات مدرن بنادر و استفاده از فناوری های نوین در این بخش، زمینه ساز بهبود وضعیت اقتصادی و تجاری کشور خواهد بود.

۴. توسعه صنایع کشتی سازی و ساخت تجهیزات دریایی: با توجه به ظرفیت های داخلی کشور، گسترش صنایع کشتی سازی و تولید تجهیزات دریایی از جمله شناورها و تجهیزات امنیتی دریایی می تواند به تقویت اقتصاد دریا محور و ایجاد اشتغال در این بخش ها کمک کند. توسعه این صنایع نقش مهمی در خود کفایی کشور در حوزه های حمل و نقل دریایی ایفا خواهد کرد.

۵. ایجاد چارچوب قانونی و اجرایی برای حفاظت از محیط زیست دریایی: تدوین سیاست های شفاف و دقیق در زمینه حفاظت از اکوسیستم های دریایی و کاهش آلودگی ها می تواند به حفظ منابع طبیعی کشور کمک کند. از جمله این سیاست ها می توان به نظارت

دقیق‌تر بر فعالیت‌های صنعتی و استفاده از فناوری‌های کم‌آسیب برای محیط‌زیست اشاره کرد که می‌تواند به حفظ سلامت منابع آبی و دریایی منجر شود.

۶. پیشبرد همکاری‌های بین‌المللی در حوزه شیلات و منابع آب: همکاری‌های مستمر و مؤثر ایران با کشورهای همسایه در زمینه شیلات و مدیریت منابع آبی در دریای خزر و خلیج فارس می‌تواند به بهبود بهره‌وری در این بخش‌ها و کاهش آلودگی‌ها منتهی شود. این همکاری‌ها به اشتراک‌گذاری تجربیات و بهبود وضعیت زیست‌محیطی منطقه کمک خواهد کرد.

۷. توسعه گردشگری دریایی پایدار: توجه به گردشگری دریایی به عنوان یک فرصت بزرگ اقتصادی می‌تواند با توجه به اصول پایداری محیط‌زیست، رشد اقتصادی پایدار را در مناطق ساحلی ایران به ارمغان آورد. این امر نیازمند بهبود زیرساخت‌ها، آموزش جوامع محلی و ایجاد محیطی امن و جذاب برای گردشگران است.

۸. تقویت نظام مدیریتی منابع دریایی و سواحل: مدیریت بهینه منابع دریایی و سواحل از طریق ایجاد نهادهای تخصصی و توانمندسازی مدیریت محلی و ملی می‌تواند به حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از بهره‌برداری‌های ناپایدار کمک کند. این نهادها مسئول نظارت بر فعالیت‌های مختلف همچون کشاورزی دریایی، شیلات و گردشگری خواهند بود.

۹. ایجاد صندوق‌های ملی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیست‌محیطی دریایی: ایجاد صندوق‌های ملی یا خصوصی برای تأمین منابع مالی لازم در پروژه‌های زیست‌محیطی مرتبط با دریاها، می‌تواند راهی مؤثر برای اجرای برنامه‌های حفاظت از منابع دریایی و مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی باشد.

۱۰. توسعه سامانه‌های پایش و پیش‌بینی آلودگی‌های دریایی: ایجاد و گسترش سیستم‌های پیشرفته برای پایش وضعیت زیست‌محیطی دریاها و شناسایی آلودگی‌های نفتی، شیمیایی و پلاستیکی می‌تواند کمک‌کننده در اتخاذ تصمیمات سریع و به‌موقع برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی باشد. این سیستم‌ها همچنین به بهبود پاسخگویی در شرایط بحرانی کمک خواهند کرد.

درنهایت، اجرای این توصیه های سیاستی می تواند موجب بهبود وضعیت اقتصاد دریا محور و دیپلماسی زیست محیطی ایران شود. با توجه به پتانسیل های عظیم دریایی ایران و نیاز به توسعه پایدار در این حوزه، این راهکارها در قالب یک استراتژی جامع و یکپارچه می تواند نقشی کلیدی در ارتقاء جایگاه ایران در عرصه جهانی مدیریت منابع دریایی و محیط زیست ایفا نماید.

## منابع

۱. براتی، ع. ن؛ و اکبرپور، ح. ر. (۱۴۰۳). آسیب شناسی توسعه دریامحور حوزه خلیج فارس و دریای مکران با تأکید بر عوامل بیرونی. *مجله مطالعات جغرافیایی مناطق ساحلی*، دوره ۵، شماره ۱، صفحات ۱۶-۱. DOI:10.22124/GSCAJ.2024.24182.1226
۲. احمدی، ع.، روشن، ر؛ و رضایی، م. (۱۴۰۳). بررسی تجارت فرامرزی استان بوشهر و شرکای تجاری ایران با تأکید بر اقتصاد دریامحور. *اقتصاد جدید و تجارت*، ۱۹ (۲)، ۶۹-۹۸. Doi: 10.30465/jnet.2024.48079.2118

## References

3. Alavi, A (2019). Logistics integration in the port sector: the case of Iran. University of Tasmania. *Thesis*. <https://doi.org/10.25959/100.00031410>.
4. Brookings Institution. (2023). Environmental Diplomacy and Maritime Strategy in Developing Economies. <https://www.brookings.edu/tags/seas-and-strategy>.
5. Bullard, R. D. (1990). *Dumping In Dixie: Race, class, and environmental quality*. Westview Press.
6. Carson, R. (1962). *Silent spring*. Houghton Mifflin.
7. Caspian Environment Programme (CEP). (2023). *Environmental Challenges in the Caspian Sea*. Retrieved from [www.caspianenvironment.org](http://www.caspianenvironment.org).
8. Convention on Biological Diversity (CBD). (2019). *The Role of Iran in Biodiversity Conservation*. Retrieved from <https://www.cbd.int>.
9. Czulda R. (2022), Iran's Water Security: An Emerging Challenge. *Middle East Policy*.; 29: 113–123. <https://doi.org/10.1111/mepo.12626>.
10. Gulf Research Center, (2023), *GCC-Iran Environmental Relations: Challenges and Opportunities*, [www.grc.net](http://www.grc.net).
11. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC). (2022). *Climate Change 2022: Impacts, Adaptation, and Vulnerability*. Cambridge University Press.
12. International Maritime Organization (IMO). (2023). *Capacity Building in Maritime Management*. <https://www.imo.org/en/OurWork/TechnicalCooperation/Pages/Default.aspx>.
13. Kaviani-rad M., Sadrania H., Fakhredavood S.N., Hamid H. (2022), Water Diplomacy Role in Easing Iran-Iraq Hydropolitical Tensions, *Geopolitics Quarterly*, 18 (68), pp. 71-93.

14. Khazali, Majid & Taghavi, Lobat. (2021). An overview of Persian Gulf environmental pollutions. *E3S Web of Conferences*. 325. 03013. 10.1051/e3sconf/202132503013.
15. Li, Guo & Zakari, Abdulrasheed & Tawiah, Vincent. (2020). Does environmental diplomacy reduce CO2 emissions? A panel group means analysis. *Science of The Total Environment*. 722. 137790. 10.1016/j.scitotenv.2020.137790.
16. Meadows, D. H., Meadows, D. L., Randers, J., & Behrens III, W. W. (1972). *The limits to growth: A report for the Club of Rome's project on the predicament of mankind*. Universe Books.
17. O'Connor, J. (1998). *Natural causes: Essays In ecological Marxism*. Guilford Press.
18. Ostrom, E. (2009). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge University Press.
19. Padash, A., Ardestani, M., & Najmeddin, S. (2019). Peace or War? Intelligent Development of Iran Environmental Diplomacy. *Environmental Energy and Economic Research*, 3(4), 349-368. Doi: 10.22097/eeer.2020.257545.1175.
20. Paterson, M. (2010). *Climate capitalism: Global warming and the transformation of the global economy*. Cambridge University Press.
21. Regional Organization for the Protection of the Marine Environment (ROPME). (2017). *Regional Environmental Cooperation in the Gulf*. Retrieved from <https://www.ropme.org>.
22. Robbins, P. (2020). *Political ecology: A critical introduction* (3<sup>rd</sup> ed.). Wiley-Blackwell.
23. The times, (2024), *How Iran's dark fleet of oil ships smuggles black gold to China*. <https://www.thetimes.co.uk/article/Iran-oil-transfers-ships-russia-china-sanctions-nsq8mfxkl>.
24. U.S. Department of the Treasury, (2024), *Treasury Intensifies Pressure on Iranian Shadow Fleet*, [https://home.treasury.gov/news/press-releases/jy2734?utm\\_source=chatgpt.com](https://home.treasury.gov/news/press-releases/jy2734?utm_source=chatgpt.com).
25. U.S. Department of the Treasury. (2020). *U.S. sanctions on Iran*. U.S. Treasury. <https://home.treasury.gov/news/press-releases/jy2734>.
26. UNEP, (2024), *Working together for the resilience of the Caspian Sea*, <https://www.unep.org/news-and-stories/speech/working-together-resilience-caspian-sea>.
27. United Nations Environment Programme (UNEP). (2020). *The Environmental Challenges in the Middle East and North Africa Region* Paper. <https://www.unep.org/resources/publication/environmental-challenges-middle-east-and-north-africa-region-paper>.

28. United Nations Environment Programme (UNEP). (2022). *Pollution in the Persian Gulf and its Environmental Impacts*. Retrieved from [www.unep.org](http://www.unep.org).
29. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC). (2019). *UNFCCC Annual Report*. Retrieved from <https://unfccc.int>.
30. Wallerstein, E. (2004). World-systems theory and the crisis of capitalism. *Theory and Society*, 33(1), 35-57.
31. Yeganeh, Y., & Bakhshandeh, E. (2022). Iran's Model of Water Diplomacy to Promote Cooperation and Prevent Conflict over Transboundary Rivers in Southwest Asia. *World Affairs*, 185(2), 331-358. <https://doi.org/10.1177/00438200221081210>.

استناد به این مقاله: دمیرچیلو، فاطمه. (۱۴۰۳). چالش‌های دیپلماسی زیست‌محیطی در توسعه اقتصاد دریا محور ایران (۱۴۰۳\_۱۴۰۰)، فصلنامه خدمات دریایی و بندری، ۲ (۶)، ۱۷۹-۲۰۷.



Marine and Port Services Journalis licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.